

کتابخوانی توسعه
۱۶

معرفی کتاب



تحقق تجدد در ایران و ژاپن
رویا یا واقعیت

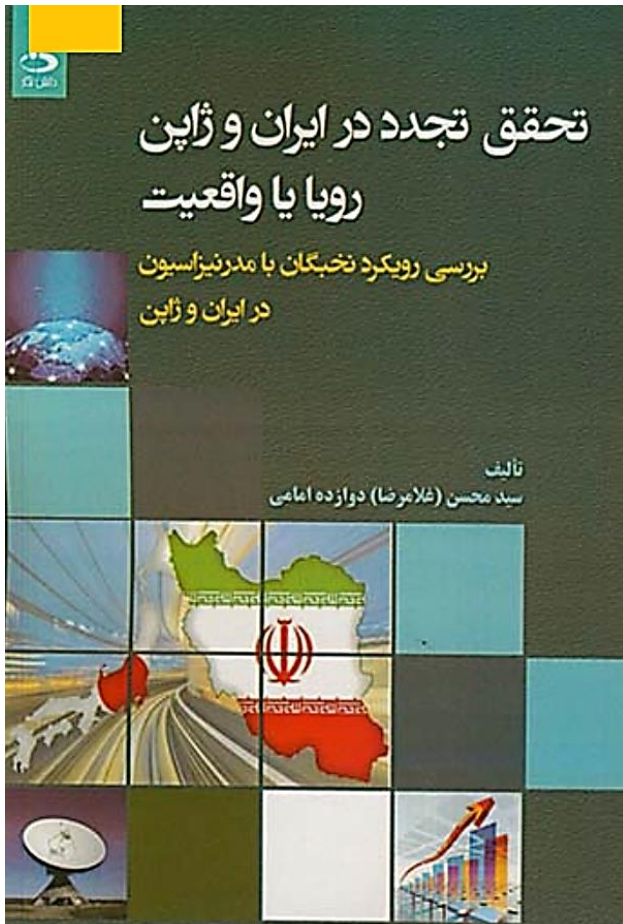
نویسنده: محسن دوازده امامی



فهرست مطالب

- تصویر روی جلد کتاب..... ۲
۱. کلیات..... ۳
- ۱-۱. شناسنامه کتاب..... ۳
- ۲-۱. ایده محوری کتاب..... ۳
- ۳-۱. مخاطبین اصلی کتاب..... ۴
۲. معرفی محتوای کتاب..... ۴
۳. درس‌های این کتاب برای ما..... ۱۹
۴. پیشنهادهایی برای خوانندگان..... ۲۰

تصویر روی جلد کتاب



معرفی کننده کتاب:

نفیسه جنتی (پژوهشگر پویش فکری توسعه) / تابستان ۱۳۹۷

۱. کلیات

۱-۱. شناسنامه کتاب

انتشارات دانش نگار

تحقق تجدد در ایران و ژاپن
رویا یا واقعیت

نویسنده: محسن دوازده امامی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۰۸۱-۱۷-۸

تلفن انتشارات: ۰۲۱۶۶۴۰۰۲۲۰

<http://www.daneshnegar.com>

Email: negardanesh2017@gmail.com

۱-۲. ایده محوری کتاب

ایده محوری کتاب «تحقق تجدد در ایران و ژاپن» کارکرد و تعامل نخبگان دو کشور ژاپن و ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم با مسئله تجدد و تحولات غرب است. قرن نوزدهم مقطع مهمی در تاریخ کشورهای همپون ایران و ژاپن است، چراکه اوضاع جدیدی همچون ارتباط با محیط بین‌المللی و نقش عوامل خارجی برای این کشورها به وجود می‌آید. حوادث نیمه دوم قرن نوزدهم مصادف با مقطع تاریخی دوران میجی^۱ در ژاپن و دوران ناصری در ایران، از اهمیت خاصی برخوردار است. در این دوران آشنایی با رخدادهای غرب و آثار تجدد از طریق کتاب‌ها، مجلات، سفرنامه‌ها و آموشد به غرب در هر دو کشور اتفاق می‌افتد. ایجاد سازمان‌های جدید سیاسی، آموزشی و درواقع تلاش برای

1. Meiji

نهادینه کردن و نوسازی مبانی و نهادهای اساسی چون فرهنگ، سیاست و اقتصاد توسط نخبگان انجام می‌گیرد، ولی سرانجام این تکاپوها و این رخدادها علی‌رغم مشابهت‌ها در میان دو کشور و وجود عناصری چون باورها و آداب و رسوم در میان دو جامعه به نتایج و تأثیرات متفاوتی منجر می‌شود. به‌طور مسلم، نخبگان به‌عنوان متغیر اصلی و مهم در این مقطع به‌ویژه باتوجه به فقر و محرومیت توده مردم و فقدان نهادهای مدنی و مشارکت مردمی دارای اهمیت راهبردی و کلیدی هستند.

۱-۳. مخاطبین اصلی کتاب

این کتاب به بررسی رویکرد نخبگان با مدرنیزاسیون در ایران و ژاپن پرداخته و یک نگاه تاریخی به مسئله توسعه دارد، در نتیجه علاقه‌مندان به مباحث توسعه در رشته‌های مختلف، می‌توانند مخاطبین اصلی این کتاب باشند و داشتن یک حداقل اطلاعات تاریخی از دو کشور ایران و ژاپن می‌تواند در مطالعه دقیق‌تر این کتاب مفید باشد.

۲. معرفی محتوای کتاب

کتاب شامل مقدمه، چهار فصل و نتیجه‌گیری است. در فصل اول نویسنده به‌صورت اجمالی نظریات توسعه را مطرح می‌کند و به موضوع نخبگان و نخبه‌گرایی در ارزیابی تحولات و رخدادها، به‌عنوان شاخصه‌ای که در تمامی جوامع فارغ از باورها، قومیت‌ها و پیشینه‌های گوناگون وجود دارد، اشاره می‌کند. در فصل دوم، نویسنده جغرافیای تاریخی کشور ژاپن و حوادث نیمه دوم قرن نوزدهم که مصادف با دوران میجی در ژاپن است را مورد بررسی قرار می‌دهد. در فصل سوم جغرافیای ایران و دوران ناصری مورد بحث قرار می‌گیرد و در فصل چهارم مؤلفه‌های مطرح‌شده‌ی دو کشور در فصل‌های دوم و سوم با هم مقایسه و سپس نتیجه‌گیری می‌شود.

فصل اول: نظریات توسعه

مسئله تغییر و دگرگونی و رخدادی به نام توسعه یکی از دغدغه‌های دیرینه در جوامع و موضوع مهمی برای صاحبان اندیشه و نخبگان تأثیرگذار بوده است. در مورد مفهوم

توسعه، تعریف و مختصات آن اجماعی در میان اهل نظر وجود ندارد و سرآغاز آن را از اوایل قرن بیستم و حداکثر از قرن نوزدهم دانسته‌اند. اولین نظریات توسعه در چارچوب نظری علم اقتصاد و نوسازی ابراز شده است. اما نگاه تحلیلی - تاریخی کاستی‌ها و نقصان‌ها در نظریه‌پردازی‌ها را مشخص و همچنین خاطر نشان می‌کند که توسعه نمی‌تواند صرفاً رویکرد اقتصادی و کمی داشته باشد و نمی‌تواند به مقولات غیراقتصادی که در عرصه اجتماع مؤثر است، بی‌توجه بود. مکتب نوسازی تلاش مشترکی از سوی رشته‌های مختلف علمی برای بررسی چشم‌اندازهای توسعه در جهان سوم است. محققان مکتب نوسازی بر این باورند که کشورهای جهان سوم برای متجددشدن باید ویژگی‌های سنتی خود را کنار گذاشته و ویژگی‌های غرب را اقتباس کنند. در نظریه وابستگی اساس موانع پیشرفت، بیرونی و درزمره عوامل بین‌المللی و جهانی تلقی می‌شود. درواقع، این نظریه براساس آثار نامتعادل و ویرانگر و نوع روابطی که میان کشورهای استعمارگر و مستعمرات و یا کشورهای مرکز و پیرامون به‌وجود آمد، استوار است. در مکتب نظام جهانی واحد تحلیل از ملت - دولت به نظام جهانی تبدیل می‌شود. در فرآیند ادغام در این نظام جهانی، جوامع دچار تغییر می‌شوند و این تغییرات به‌صورت توسعه‌یافتگی و یا عدم توسعه براساس جایگاه هر کشور در این نظام رقم می‌خورد.

در فرآیند تغییر و چگونگی تحولات، حجم گسترده‌ای از علل، متغیرها و روابط میان بازیگران و عوامل داخلی و خارجی در یک گستره طولانی از تاریخ، مؤثر و نقش‌آفرین است. هر جامعه‌ای با توجه به مختصات فرهنگی، اجتماعی و تاریخی خود روندی مختص به خود را در فرآیند توسعه طی می‌کند. به عبارت دیگر ارائه یک برنامه توسعه که همه کشورها از آن پیروی کنند، امری دشوار و ناممکن است و هیچ‌گاه نمی‌توان واقعیات یک جامعه شرقی را با نظریه‌ها و مفاهیم جوامع اروپایی انطباق داد. موضوع دیگر نخبگان و منشاء اجتماعی آنهاست که از جایگاه ویژه‌ای در مطالعات و تحقیقات جامعه‌شناسی برخوردار است، تا آنجا که این امر به‌صورت مکتبی در جامعه‌شناسی سیاسی درآمده است. بر اساس نظریه نخبه‌گرایی، انسان‌ها با یکدیگر برابر نیستند، بعضی بر بعضی دیگر برتری دارند، خواه ذاتی یا اکتسابی. درواقع براساس این

نظریه؛ جامعه به گروهی اقلیت قدرتمند و گروهی اکثریت که فاقد قدرت هستند، تقسیم می‌شود.

فصل دوم: جغرافیای تاریخی ژاپن

ژاپن کشوری جزیره‌ای با مساحت ۳۷۷۲۷ کیلومتر مربع است. ۷۳ درصد از مساحت آن از کوهساران جنگلی تشکیل شده و میانگین بارش آن ۱۷۰-۱۶۰ سانتی‌متر است. ریشه نژادی ژاپنی‌ها از سه تیره مغولی، مالایی، پولینزی^۱ است و در حال حاضر در دستور زبان خود از حروف کانجی^۲، هیراگانا^۳ و کاتاکانا^۴ استفاده می‌کنند. ژاپنی‌ها بیشتر پیرو آیین شینتوئیسم^۵، بودیسم، کنفسیوس^۶ هستند.

ژاپن و تحولات تا دوران میجی

امپراطوری ژاپن را می‌توان به‌منزله یکی از قدیمی‌ترین حکومت‌ها و مقام‌های موروثی جهان تلقی کرد که هیچ‌گاه از حاکمیت خود توسط یک قدرت خارجی محروم نشده است. در نیمه قرن چهارم دربار یاماتو^۷ تقریباً بر تمامی کشور تسلط پیدا کرد و برای استحکام قدرت خود و بهبود اوضاع کشور از مهاجران چینی و کره‌ای در امور سازندگی و به‌ویژه در زمینه کشاورزی استفاده کردند.

قرن هفتم در تاریخ ژاپن منشاء تحولات و نوآوری‌های بسیار بود و یکی از دلایل مهم این دگرگونی‌ها، روابط عمده فرهنگی و آمدوشد با کشور چین بود. آنها توانستند دانش مملکت‌داری، نظام اداری چین و هنر و افکار و اندیشه‌های چینی را به ژاپن منتقل کنند. قرن دوازدهم در تاریخ ژاپن دوران التهاب و دگرگونی بود. بی‌کفایتی و ضعف حکومت موجب بروز ناملایمات و بی‌نظمی و قانون‌شکنی شد و همین امر باعث شد که خاندان

-
1. polynesian
 2. kanji
 3. hiragana
 4. katakana
 5. Shintoism
 6. Confucius
 7. Yamato

و اشراف محلی برای حفظ امنیت و حفاظت از دارایی‌های خود، جنگاورانی را به استخدام درآوردند. از میان این سلاح‌داران و شمشیرزنان افرادی بسیار سلحشور و جنگاور بودند که رهبری دیگر گروه‌های رزمنده را به‌عهده گرفتند که به آنها سامورایی می‌گفتند. سامورایی‌ها رزمندگان حرفه‌ای بودند که از سده ۱۱ و ۱۲ از ایلات مختلف ژاپن سر بر کشیدند و به‌سرعت در زمره نخبگان و فرمانروایان کشور قرار گرفتند و توانستند موقعیت خود را تا قرن ۱۹ حفظ کنند. از اواخر قرن ۱۲ تا نیمه قرن ۱۹ حدود ۷۰۰ سال شوگون‌ها در ژاپن حکومت می‌کردند در طی این ۷۰۰ سال سه سلسله شوگونی کاموکارا^۳، آشیکاگا^۴ و توکاگاوا^۴ در ژاپن برسرکار آمدند. بنابراین در ژاپن قدرتمندترین فرد مقدس‌ترین فرد نبود و تمام تصمیمات در اختیار یک نفر نبود. درواقع قدرت نظامی در برابر قدرت سلطنت ایجاد شد و لذا تعادل قدرت وجود داشت.

موقعیت جغرافیایی ژاپن موجب آن شده است که در تمامی تاریخ این کشور پای هیچ مهاجمی به این خاک نرسیده است. در واقع دو بار در سال‌های ۱۲۸۰ و ۱۲۸۱ این کشور مورد حمله مغول‌ها قرار گرفت که هر دوی این حملات با ناکامی روبرو شد. درواقع حمله مغولان نخستین حمله برای تجاوز به خاک ژاپن و اشغال آن در سرتاسر تاریخ ژاپن تا قرن بیستم بود.

یکی از ویژگی‌های جامعه ژاپنی مسئله بومی‌کردن و یا انطباق‌دادن باورها، گرایش‌ها، دانش‌ها و افکار با ذائقه، روحیه و مختصات جامعه ژاپنی است که یکی از رموز موفقیت اقدامات و اصطلاحات دوران میجی نیز بهره‌مندی از این جنبه شخصیت و شاخصه جامعه ژاپنی است. دین در خدمت دولت بوده و شاید نتوان وجهه‌ای مستقل از دین را در تاریخ ژاپن جویا شد. به‌طوری‌که راهب کل، همپای سومین رتبه دربار بود.

۱. شوگون (*shogun*) در لفظ به معنای سپهسالار (سرکوبگر وحشیان) و عنوانی است که در قرن نهم توسط امپراطور به فرمانده نیروهایی که برای سرکوب‌کردن شورش وحشیان عازم بودند، داده شد. شوگون‌ها بالاترین قدرت نظامی و اداری حاکم بر ژاپن را داشتند.

2. Kamakura
3. Ashikaga
4. Tokugawa

یکی از نکات مهم باورهای مذهبی در ژاپن روح وفاداری به میهن و تبعیت از مافوق و تمکین در برابر تعالیم و اوامر است. این نکته اساسی و مبنایی یکی از عوامل ثبات حکومت‌ها و عمده ابزار تغییرات در دوران اصلاحات (میجی) در قرن نوزدهم است. در ژاپن اگر چیزی خلاف اندیشه حکومت رخ می‌داد بی‌درنگ ممنوع می‌شد.

دوران آشیکاگا (۱۵۷۳-۱۳۳۶)

این مقطع از تاریخ ژاپن را دورانی پرآشوب و جنگ‌های سراسری می‌دانند تا آنجا که حکومت شوگونی آشیکاگا تنها توانست بر ۸ استان شرق فرمانروایی کند. در سال ۱۵۴۲ یک کشتی پرتغالی به سواحل کیوتو^۱ رسید و در واقع پرتغالی‌ها اولین سفیدان چشم‌آبی هستند که وارد ژاپن شدند و سوغات آنها به امیر جزیره (نزدیک سواحل کیوشو^۲) تفنگ بود. در سال ۱۵۴۹ سنت فرانسیس ژاویر^۳ مبلغ مسیحی اسپانیایی وارد ژاپن شد و دایمیو^۴ آنجا که به دنبال تجارت خارجی بود به او اجازه تبلیغ داد و در کیوتو کلیسا ساخته شد. در سال ۱۵۷۹ یعنی ۳۰ سال بعد از ورود ژاویر جمعیت مسیحیان ۱۵۰ هزار نفر شد. اما با روی کار آمدن هیده‌یوشی^۵ در اواخر قرن ۱۶ و ایجاد یک دولت مرکزی قوی، با مسیحیت و تبلیغ آن به شدت مخالفت شد.

عصر توکوگاوا (۱۸۶۸-۱۶۰۳)

شوگون‌های توکوگاوا به امپراطور مقام الوهیت دادند و او را موجودی افسانه‌ای کردند و او را از رتق و فتق امور جدا کردند. امپراطور در کیوتو بود و شوگون در ادو^۶، دستگاه حکومتی داشت. خانواده توکوگاوا بهترین نمونه حکومت یک‌سویه است. حکومت

1. Kyoto
2. Kyushu
3. Saint Francis Xavier

۴. دایمیو (*Daimyo*) از اصطلاحات قرن یازدهم به بعد و به‌ویژه در دوران توکوگاوا است که به امیران نیمه‌خودمختار یا خان و زمین‌داری اطلاق می‌شد که محصول قلمرو سالانه او ده هزار کوکو (*koku*) برنج باشد (هر کوکو برنج ۱۵۰ کیلوگرم وزن دارد).

5. Hideyoshi
6. Edo

توکوگاوا حکومت نظامی‌ها بود و سامورایی‌ها در آن مقام و منزلتی والا داشتند. در دوران توکوگاوا ساختار طبقاتی چهارگانه پیشه‌وران، کشاورزان، بازرگانان و جنگجویان وجود داشت، ولی سامورایی‌ها و جنگاوران از نظر آموزش و معیشت و جایگاه وضعیت خاصی داشتند. یکی از اقدامات حکومت توکوگاوا قطع ارتباط با خارج و غیرقانونی و ممنوع اعلام کردن مسیحیت بود.

حکومت توکوگاوا طی سال‌های ۹-۱۶۳۳ فرامینی صادر کرد که به‌موجب آن دروازه‌های ژاپن بر روی دنیای خارج بسته شد، البته به غیر از چینی‌ها و هلندی‌ها. یکی از نتایج سودمند این انزوای خودخواسته حاشیه امنیت برای حکومت بود که یک دوره طولانی صلح و آرامش به دنبال داشت، اما در عوض باعث شد ژاپن از پیشرفت‌ها و دانش بیرون به‌ویژه پیشرفت‌های کشورهای اروپایی دور بماند. اما در قرن نوزدهم تحولات مهمی در عرصه روابط بین‌الملل و منازعه قدرت‌های اروپایی برای توسعه دامنه قدرت و تصاحب سرزمین‌های بیشتر اتفاق افتاد. همچنین به دلیل آمدن کشتی‌های تجاری و اعزام مسیونرهای مذهبی، کشورهای شرقی با آنچه در غرب به نام توسعه و تجدد اتفاق افتاده بود، آشنایی پیدا کردند. عواملی از قبیل فقر و فاقه مردم، یغماگری اُمرا، بی‌توجهی حکومت به فاصله عمیق طبقات مردم، اعمال سیاست‌های سختگیرانه و الزام مردم به قناعت و ساده‌زیستی زمینه‌های رخداد دوران تحول میجی را سبب شد.

عوامل تجددساز دوران میجی

دوران میجی ۱۹۱۲-۱۸۶۸ میلادی (۱۲۹۱-۱۲۴۷ شمسی) عصر تجدد و نوسازی ژاپن و یا به قول رابرت روزول پالمر^۱ دورانی است که ژاپن غربی شد. از عوامل موثر در این تغییر می‌توان به مذهب ملی، بومی‌کردن آیین‌ها، جغرافیا، خلیقات، قومیت و امپراطوری و میجی اشاره کرد. بدلیل جایگاه امپراطور، چه در زمانی که امپراطور هم مقام معنوی و هم مقام سیاسی و مادی داشته است و چه در عصر شوگون‌ها که میان قدرت معنوی (امپراطور) و قدرت سیاسی و حکومتی (شوگون) فاصله ایجاد شد، حکومت همواره همه‌چیز را در اختیار داشته و قدرت همواره یک‌سویه بوده است. در سال ۱۸۶۷ بعد از

1. Robert Roswell Palmer

مرگ امپراطور، پسر ۱۴ ساله‌اش موتسوهیتو^۱ جانشین او شد که به دلیل اقدامات مهم و اصلاح طلبانه در ۴۴ سال دوران حکومتش، لقب میجی (کوه‌های سر به فلک کشیده) گرفت. میجی به‌عنوان کارآمدترین نخبه تقریباً بدون تخریب و خونریزی موجب یک جابه‌جایی مهم (تجدد) در کشور شد.

در ژاپن نیز مانند بسیاری از جوامع، نخبگان منشاء تحولات عمده‌ای بودند. نخبگان به دو دسته‌ی فکری و ابزاری متجلی شدند و بسیاری از نخبگان فکری دارای مسئولیت بودند. در ژاپن نخبگان فکری متأثر از اندیشه نئوکنفوسیوس بودند و سعی کردند که آموزه‌های این اندیشه را نه برای طبقه خاص بلکه برای توده مردم بازگو کنند. درواقع نخبگان فکری در ژاپن، اندیشه‌های کنفوسیوسی را رویکردی عملی و سیاسی می‌دانند. جناح‌بندی در میان نخبگان و صاحب‌نظران به دو گرایش محافظه‌کارانه (خواهان مقابله با نیروهای خارجی) و اصلاح‌طلب (خواهان بازکردن روابط تجاری با کشورهای غربی) متمایل شد. درواقع در سال‌های آخر حکومت باکوفو^۲ این دو جناح در مقابل با هم بودند ولی با روی کار آمدن میجی یک نوع همگرایی و همراهی بین این دو جناح برقرار شد که ناشی از روح واقع‌گرایی جامعه ژاپن است.

نخبگان عهد میجی که غالباً سامورایی‌های تحصیل کرده بودند به این نکته پی برده بودند که هرگونه اقدام اصلاحی و یا جایگزینی ساختاری با شیوه‌های جدید برای پیشرفت و توسعه بدون آموزش همگانی و باسوادکردن توده مردم دچار مشکل و کاستی خواهد شد. از همین رو آموزش همگانی در سرلوحه کار قرار گرفت و در سال ۱۸۷۱ برای سازماندهی و منسجم‌ساختن آموزه‌های نوین، وزارت آموزش و پرورش تأسیس شد. آنچه در عصر بازگشت امپراطوری (میجی) و توسط نخبگان ابزاری و فکری طراحی شد و طی یک فرآیند تدریجی در عرض ۴۴ سال حکومت موتسوهیتو اتفاق افتاد، تبدیل مردم ژاپن به یک ملت منسجم و همگرا بود که منافع ملی بالاترین ارزش و امر مطلوب برای آنها تلقی می‌شد.

1. Mutsuhito
2. bakufu

فصل سوم: جغرافیای تاریخی ایران

کشور ایران با مساحت ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومترمربع در جنوب غرب آسیا و در فلاتی گسترده به نام فلات ایران واقع است و یکی از نواحی خشک جهان به‌شمار می‌رود. میانگین بارش در ایران حدود ۲۵-۳۰ سانتی‌متر است و این بارش‌ها بیشتر در فصل زمستان و بهار اتفاق می‌افتد، درحالی‌که میانگین بارش در جهان ۹۰ سانتی‌متر است. کمی آب باعث می‌شود که مناطق قابل‌سکونت محدود و دور از یکدیگر باشد و نوعی فرهنگ انزوا و گوشه‌گیری و جدایی، پراکندگی اجتماعات و ساختار ایلیاتی و فقدان یک نیروی اصلی مرکزی و فراگیر را موجب شده و علاوه‌براین وضعیت تجاری و معیشتی و مقوله درآمدزایی را دچار بحران می‌کند. جغرافیایی به نام ایران در زمره نادر سرزمین‌هایی بر اقلیم خاک است که در ساختار و جوهره آن، آموشد اقوام و تنوع آیین‌ها تقدیر شده است. یکی از نکات مهم درباره حکومت‌ها در ایران که در تاریخ پر فراز و نشیب این کشور قابل‌تذکر و تأمل است، ساختار ایلیاتی و عشیره‌ای حکومت است که می‌توان گفت تقریباً تمامی سلسله‌ها و حکومت‌ها از بافت ایلیاتی متأثر بوده‌اند.

در یک تقسیم‌بندی شاید بتوان تاریخ آریایی‌های ایران را به چهار دوره تقسیم کرد:

۱. عهد قدیم یعنی از آخر قرن هشتم ق.م تا نیمه قرن هفتم میلادی

۲. عهد میانه یعنی نیمه قرن اول هجری تا آغاز صفویه

۳. دوران جدید از صفویه تا مشروطه

۴. از مشروطه تا امروز

ساختار ایلیاتی و آمدن اقوام مهاجم (هجوم اسکندر مقدونی و تشکیل حکومت سلوکی یک قرن، آمدن اعراب مسلمان و حکومت آنها دو قرن، هجوم ترکان سلجوقی و تشکیل حکومت سلجوقی و شیخون مغولان و سلسله ایلخانی دو قرن، آمدن تیمور و هجوم افغان‌ها و ...) یک بافت ناهمگون از اقوام و نژادهای مختلف را رقم‌زده و به دنبال آن تنوع فرهنگی، و این یعنی تقابل و اصطکاک میان گروه‌های مختلف قومی، نژادی و مذهبی و این باعث ایجاد شکاف‌های عمده تاریخی مثل شکاف دین و دولت، شکاف مذهبی و فرقه‌ای، شکاف قومی و نژادی، شکاف علما و امرا، و شکاف امرا و خلفا در ایران شده است.

وضعیت ایران و جهان در آستانه قرن نوزدهم

موقعیت سوق الجیشی و شرایط جغرافیایی به‌منزله عاملی برای وحدت ملی و توسعه و یا مانع توسعه‌یافتگی بسیار تعیین‌کننده است، چون می‌تواند مقوله رابطه بین‌المللی و نقش عوامل خارجی را نیز رقم بزند. در قرن نوزدهم قدرت‌های خارجی جزء متغیرهای حوادث ایران شدند و ایران با روسیه و انگلستان (هند) همسایه شد.

دین اسلام به‌عنوان باور جامعه ایرانی پس از حضور اعراب مسلمان در قرن هفتم میلادی و نگرش شیعی به‌منزله باور مرسوم در قرن نوزدهم و درعهد قاجار است. اسلام وجه عام‌گرایانه و جهان‌شمولی دارد. نگاه عام‌گرایانه اسلام و نقش نخبگان مذهبی که خود را همراه با حکومت نمی‌دانستند و نوعی بحران مشروعیت مذهبی برای حکومت به‌وجود آورده بودند از مشکلات بر سر راه توسعه بود.

ایران مورد تهاجم ایلات و اقوام مختلف با فرهنگ‌های گوناگون همچون یونانی‌ها، اعراب، ترکان، مغولان، ترکمانان و حتی افغان‌ها قرار گرفته است. تهاجمات و آمدوشد اقوام موجب بی‌ثباتی و عدم‌امنیت و نابودی روابط و مناسباتی می‌شود که لازمه ایجاد اتحاد ملی است و ساخت‌وساز یک جامعه با فرهنگ مولد به آن نیاز دارند.

خلقیات هر جامعه و رفتار شخصی افراد از گذرگاه تاریخی و فرهنگی آن جامعه نشئت می‌گیرد که شرایط جغرافیایی و آب و هوا، استبداد، حضور بیگانه و مدت اشغال نیز بر آن تأثیر دارد.

در ایران به‌ویژه در دوران قاجار، امور جامعه براساس ضوابط و مناسبات معین و آموزش برای تربیت فرد فرهیخته و نخبه نبود. محور کارها سلايق شخصی و فردی بود و نه براساس یک آموزش و قانون مشخص.

عهد ناصری

آشنایی و هجوم اندیشه‌های جدید (مدرنیته) و مداخله قدرت‌های بزرگ مهم‌ترین رخدادهای عهد ناصری است که از نخستین نشانه‌های جدید فکر توسعه و نوسازی می‌توان به گفته‌های عباس‌میرزا (ولیعهد) با ژوبر^۱ فرانسوی اشاره کرد. در روزگار

1. Jaubert

فتحعلی‌شاه این آشنایی با تجدد به علت ازدیاد روابط ایران با دول اروپایی و کثرت آمدوشد اروپاییان به ایران، به شکل صریح و آشکار رخ می‌دهد. به‌غیراز اعزام دانشجو برای آشنایی با پیشرفت و تجدد غربی، روابط تجاری و مهاجرت ایرانیان، ترجمه آثار، کتب، مجلات و روزنامه، دیپلمات‌ها و مأموران سیاسی اعزامی به خارج، سفر نامه‌ها و خاطرات آنها، مستشاران، سفرا و سیاحان خارجی و مدارس جدید همانند دارالفنون هم در فرآیند معرفت و شناخت (غرب) و راه‌های تحقق نوسازی مؤثر بوده‌اند.

نخبگان عهد ناصری و مسئله تجدد

نخبگان شامل نخبگان حکومتی و ابزاری (اعم از شاه، صدراعظم و دیوانیان) و نخبگان فکری اعم از روحانیون و روشنفکران بودند که خارج از دایره حکومت قرار داشتند. در دوران قاجار همانند دیگر مقاطع تاریخ ایران، شاه به‌عنوان اصلی‌ترین کانون قدرت و عنصر تفکیک‌ناپذیر ساختار قدرت سیاسی در رأس آن قرار داشت و به‌عنوان مهم‌ترین و اصلی‌ترین نخبه بر همه چیز اشرافیت داشت. ناصرالدین‌شاه فرزند ارشد محمدشاه، چهارمین پادشاه قاجار است که از ۱۳۶۴-۱۳۱۳ قمری (۱۸۹۶-۱۸۴۸ میلادی) در ایران سلطنت کرد. در زمان ناصرالدین‌شاه تلاش‌هایی برای آشنایی با تمدن جدید توسط چند تن از صاحب‌منصبان اصلاح‌خواه انجام شد. افرادی چون امیرکبیر، میرزا حسین‌خان سپهسالار، میرزا علی‌خان امین‌الدوله و همچنین تجار و بازرگانانی چون حاجی محمدحسین اصفهانی (امین‌الضرب) و یحیی‌خان مشیرالدوله (برادر سپهسالار) در زمره این افراد بودند. در این دوره قراردادهای سلطه‌آمیز چون رژی، رویتر و دادن امتیازاتی چون لاتاری بسته شد و در طول دهه ۱۸۷۰ کشورهای روسیه و انگلیس کنترل ۹۰ درصد تجارت خارجی ایران را در دست داشتند. از دیگر نخبگان حکومتی می‌توان به ولیعهد و شاهزادگان اشاره کرد. دیگر نخبگان مؤثر در فرآیند تصمیم‌گیری، دیوانیان بودند. در واقع دیوان‌سالاری و منصب دیوانی به‌منزله یک جریان زمینه‌ساز بود که قدرت سیاسی از طریق آن اعمال می‌شد. دیوانیان شامل صدراعظم، وزرا، صاحب‌منصبان محلی و مستوفیان بودند.

گرایش‌ها و نگرش‌های صدراعظم‌های عهد قاجار و همچنین عهد ناصری را می‌توان به سه دسته‌ی صدراعظم‌های سنت‌گرا، صدراعظم‌های نواندیش و نوگرا و نگرش افرادی چون امیرکبیر و قائم‌مقام فراهانی تقسیم کرد.

نخبگان فکری عهد ناصری شامل روحانیون و روشنفکران هستند. روحانیون در طول تاریخ ایران حتی در دوران باستان دارای جایگاه ویژه و از طبقات اصلی جامعه ایرانی محسوب می‌شدند. طبقه روحانیون به دو دسته تقسیم می‌شود. روشنفکران در زمره طبقات جدید جامعه هستند و بیشتر در میان طبقات تحصیل کرده و تکنوکرات دارای جایگاه و پایگاه هستند. روشنفکر به آنچه در اجتماع می‌گذرد متعهدانه می‌نگرد و با اندوخته‌های علمی و خردگرایانه در پی تغییر وضع موجود یا اصلاح اوضاع جامعه است. در جامعه ایرانی روشنفکر جریانی است که از قرن نوزدهم و به‌ویژه از عهد ناصری ظهور و تکوین یافته است.

در اواخر قرن ۱۹ و ابتدای قرن ۲۰ به‌دلیل بر خورداری ایران با پدیده‌ای به نام تمدن غرب، افکار ملی‌گرایانه وارد ایران شد. طرفداران چنین افکاری بعضاً دارای گرایش‌های لیبرالی بودند که دخالت مذهب در امور اجتماعی را نفی می‌کردند. مثلاً آقاخان کرمانی یکی از متفکران این دوره معتقد بر احیای افکار ایران باستان بوده است. سیدجمال اسدآبادی معتقد است عدالت آن است که مطابق با شریعت اسلام تحقق یابد و به دنبال اتحاد کشورهای مسلمان بود. آخوندزاده از دیگر معاصران سیدجمال و آقاخان کرمانی است که معتقد است جایی که عقل باشد پیشرفت به‌وجود می‌آید و جایی که دین باشد عقب‌ماندگی، وی دین را موهوم‌پرستی برابر می‌داند.

فصل چهارم: مؤلفه‌ها و مقایسه آنها با یکدیگر

جغرافیا و مختصات آب و هوا	
ژاپن	ایران
۳۷۷۳۳۲۷ کیلومتر مربع	۱۶۴۸۰۰۰
جزیره‌ای	کوهستانی
آب و هوای متنوع اقیانوسی (میانگین بارش سالانه ۱۶۰ سانتی‌متر)	خشک و کم آب (میانگین بارش سالانه ۳۰-۲۵ سانتی‌متر)
فصل بارندگی: تابستان	فصل بارندگی: زمستان و بهار
وجود رودهای دائمی و بزرگ	عدم وجود رودهای دائمی

قومیت و مسئله‌ای به نام اصالت و اختلاط	
ژاپن	ایران
به دلیل موقعیت جغرافیایی و جزیره‌ای بودن و مسائل دیگر تا جنگ جهانی دوم در قرن بیستم هیچ‌گاه مورد اشغال و جدایی سرزمین قرار نگرفته و حاکمیت هیچ متجاوزی را نداشته و یکی از اصیل‌ترین اقوام است که نژاد خود را از اختلاط با دیگر اقوام مصون داشته است.	به دلیل ویژگی‌های سرزمینی و مختصات جغرافیایی، همواره محل آمدوشد و تهاجم و تجاوز دیگر اقوام بوده است. فرهنگ‌های هلنیسم، باور اعراب مسلمان و هجوم مدرنیته و فرهنگ و تجدد غرب از جمله فرهنگ‌های غیروومی و مهاجم است که به بخشی از هویت ایران تبدیل شده است.

نگرش‌ها و اعتقادات	
ژاپن	ایران
بیشتر جامعه پیرو آئین شینتوئیزم و کنفسیوس (قرن ۵) و بودیسم (قرن ۶) هستند. در آئین شینتوئیزم شخص فرمانروا و حاکم بخشی از ارکان این آئین تلقی می‌شود. مسئله بومی کردن و انطباق دادن باورها، گرایش‌ها، دانش‌ها با ذائقه و اقتضای جامعه ژاپنی و نقش نخبگان فکری	دین در ایران ماهیتی توحیدی و وحیانی دارد و نخبگان فکری نمی‌توانند به راحتی اصول و ارکان آن را تغییر دهند. دین اسلام دارای ماهیت و رویکرد عام‌گرایانه و فراطبقاتی و یا فرامنطقه است و تبعیت و تسلیم در برابر اوامر غیر خدا نامشروع است و حکومت قاجاریه در قرن بیستم

نگرش‌ها و اعتقادات	
در همسوکردن و همراهی‌کردن توده مردم بسیار حائز اهمیت است. تشویق و تبیین روح وفاداری به میهن و اطاعت و پیروی از اوامر و مقامات مافوق به‌عنوان یک جنبه دینی و شرعی، در قرن نوزدهم دین و باور به‌طورجدی و فراگیر در خدمت حکومت و جریان اصلاحات قرار داشت.	به‌نوعی دچار بحران مشروعیت بود؛ اختلافات شدید مذهبی و همچنین بروز شورش‌هایی علیه حکومت با ادعاهای مذهبی.

ثبات و عدم استقرار حکومت	
ژاپن	ایران
<p>نادر سرزمین‌هایی که در گستره تاریخ دارای حکومتی با ثبات (وجود امنیت) بوده است، اگرچه مدت زیادی از قرن ۱۲م تا نیمه دوم قرن ۱۹م افرادی به‌نام شوگون با تأیید امپراتور حکومت می‌کردند ولی هیچگاه خاندان سلطنتی تغییر نیافته است.</p> <p>دلایل:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. جایگاه امپراتور و سلطنت در دیدگاه و باور مردم به‌منزله یکی از ارکان و اصول اعتقادی و دینی مردم بود؛ امپراتور فرزند خدای آفتاب است که مأموریت پاسداری و بهبود اوضاع مردم را دارد (عدم بحران جانشینی) ۲. موقعیت جغرافیایی، جزیره‌ای بودن ۳. دوربودن از کانون‌های بحران ۴. عدم همجواری با قدرت‌های بزرگ ۵. قرارنگرفتن در مسیر راه‌های حیاتی و مهم تجاری ۶. نداشتن مطلوبیت اقتصادی 	<p>در ایران مقوله‌ای به نام ثبات و استقرار که گویای امنیت بود همواره به‌صورت رویا و آرزو بود و عدم‌ثبات ویژگی همیشگی حکومت‌ها بوده است.</p> <p>دلایل:</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. موقعیت جغرافیایی ۲. قرار گرفتن بر سر گذرگاه آمد و شد اقوام و ایلات ۳. همجواری با قدرت‌های بزرگ همچون روسیه ۴. قرارگرفتن درکانون بحرانی و حیاتی مثل خلیج فارس ۵. بودن در مسیر جاده‌ی حیاتی و مهم ابریشم ۶. داشتن ذخائر و منابع ۷. مسئله جانشینی و بحران ولایتعهدی ۸. ساختار ایلیاتی و عشیره‌ای حکومت‌ها

تنوع پایتخت‌ها	
ژاپن	ایران
<p>۱. یاموتو در قرن ششم قبل از میلاد</p> <p>۲. نارا در قرن هشتم</p> <p>۳. ناگانوکا</p> <p>۴. کیوتو از قرن ۹ تا ۱۹ (بیش از ۱۰۰۰ سال یک شهر پایتخت بوده است)</p> <p>۵. ادو (توکیوی فعلی) از ۱۸۶۷</p>	<p>پایتخت‌های قبل از هجوم اعراب (از مادها تا ساسانیان):</p> <p>۱. همدان یا هگمتانه در دوران کهن</p> <p>۲. شوش</p> <p>۳. پاسارگاد</p> <p>۴. بابل</p> <p>۵. تخت جمشید</p> <p>۶. تیسفون (مدائن)</p> <p>پایتخت‌های بعد از اسلام:</p> <p>۱. نیشابور ۲. زرنج یا زرنج ۳. ری ۴. سمرقند</p> <p>۵. بخارا ۶. غزنین ۷. مرو ۸. سیرجان و بردسیر</p> <p>۹. یزد ۱۰. گرگانج ۱۱. سبزوار ۱۲. تبریز</p> <p>۱۳. مراغه ۱۴. سلطانیه ۱۵. هرات ۱۶. قزوین</p> <p>۱۷. اصفهان ۱۸. مشهد ۱۹. شیراز</p> <p>۲۰. تهران (در سال ۱۲۰۹ توسط آقامحمدخان قاجار)</p>

خلفیات ایرانی و ژاپنی	
ژاپن	ایران
<p>با وفا،</p> <p>صادق،</p> <p>وظیفه‌شناس،</p> <p>قدرشناس،</p> <p>بامحبت و صمیمی،</p> <p>کنجکاو و دارای احساس مسئولیت</p> <p>میان مردم و حکومت نوعی اعتماد وجود دارد</p>	<p>دوگانگی،</p> <p>دورویی،</p> <p>دروغجویی،</p> <p>بدبینی و پنهان‌کاری</p> <p>بی‌اعتمادی نسبت به حکومت و حاکمان (روحیه گریز از مرکزی)</p>

قرن نوزدهم و موقعیت ژاپن و ایران	
ژاپن	ایران
اطمینان از عدم تهدید و تهاجم به سرزمینشان به دلیل جمعیت کم، نداشتن بازار تقاضا، فقدان منابع و ذخایر (تا نیمه دوم قرن ۱۹م از تهدیدات خارجی مصون بوده)؛ در قرن ۱۹م به دلیل تغییرات در محیط بین‌الملل، قدرت‌های هلند، روسیه و آمریکا به فکر حضور در مناطق آسیای دور افتادند که مهم‌ترین رخدادهای قرن ۱۹م مواجهه با قدرت‌های اروپایی و پی‌بردن به ضعف قوه نظامی و اختلاف فاحش توانایی‌های علمی و فناوری آنها با دول اروپایی بود و بر آن شدند تا مانند غرب پیشرفت کنند.	همجواری ایران با روسیه و انگلستان (هند) و دسترسی به آب‌های خلیج فارس در قرن ۱۹م که آفت بزرگی برای استقلال و تمامیت ارضی آن است (قراردادهای گلستان و ترکمانچای بخش بزرگی از ایران را به روسیه ملحق کرد؛ قراردادهای رویتر و تالبوت منافع انگلستان را تضمین می‌کرد). بازار فروش ایران از دیگر جاذبه‌های برای شرکت‌ها و سرمایه‌داران اروپایی بود.

آموزش و تربیت	
ژاپن	ایران
سامورایی‌ها (مؤثرترین گروه نخبگان در دوره اصلاحات میجی) از امتیازات خاصی چون آموزش رزمی و آیین کنفوسیوس از طریق مدارس مختلف بهره‌مند بودند؛ کم‌کم دامنه آموزش به حوزه‌هایی چون ادبیات و تاریخ و طب هم کشیده شد؛ آنها در ارتباط با اروپاییان اختلاف فاحش را دریافتند و سعی در پیشرفت داشتند (واقع‌گرایی).	نظام آموزشی در قرن ۱۹م به شیوه قدیمی و در قالب مکتب‌خانه‌ها و مدارس علمیه بود که در زمینه علوم دینی و فقه بود و از علوم جدید (طب، ریاضی، علوم تجربی، تاریخ، ادبیات و حقوق) خبری نبود؛ در امر آموزش از دغدغه‌هایی مثل رایگان‌بودن، عمومی‌بودن، عقلانی‌بودن و در نظر گرفتن نیازمندی‌های عمومی خبری نیست؛ در قرن نوزدهم بی‌سوادی، فقر فرهنگی، جهل و باورهای غلط جامعه ایران را فراگرفته بود.

نوع شناسی نخبگان و مقوله انسجام	
ژاپن	ایران
<p>بسیاری از نخبگان فکری به‌عنوان مسئولان اجرایی (نخبگان ابزاری (سیاسی)) در متجددکردن ژاپن سهیم بودند.</p> <p>یک اراده جمعی میان تمام نخبگان برای اصلاحات و پیشرفت وجود دارد و اختلافات در چگونگی و راه‌های تحقق بود.</p> <p>شعار اصلی قرن نوزدهم بازسازی، نوسازی و تجدد ژاپن بود.</p> <p>همه در منافع ملی و اعتلاء و سربلندی ژاپن اتحاد و انسجام داشتند.</p> <p>در دوران توکوگاوا اگرچه نخبگان و رویکردهای به دو دسته اصلاح‌طلب و محافظه‌کار تقسیم شد ولی در دوران میجی محافظه‌کاران هم این واقعیت را پذیرفتند که برای پاسداری از اصالت و استقلال ژاپن باید دانش جدید غربی را آموخت.</p> <p>نخبگان ژاپنی حقوق‌بگیر و تحت‌الحمایه بیگانه نبودند.</p> <p>باوجود اختلاف میان نخبگان ولی ضدیت و تنفر و تکفیر در بین آنها وجود نداشت.</p> <p>از دین و باور برای وطن و تجدد و نوسازی استفاده می‌شد.</p>	<p>میان نخبگان حکومتی (پادشاه، شاهزادگان، صدراعظم و دیوانیان) و نخبگان فکری (روحانیون روشنفکران) تعارض و کشمکش بود و بحران مشروعیت را سبب می‌شد.</p> <p>تفکر دینی جامعه ایران عام‌گرایانه و فراملی بود و دغدغه برای وطن جایگاهی نداشت.</p> <p>روشنفکرها نیز دارای اعتبار چندانی بین توده مردم نبودند که از عنصر ملیت (محصول اندیشه مدرن) سخن بگویند و مردم از آنها تبعیت کنند.</p> <p>درجامعه عهد ناصری، نخبگان اختلاف در برداشت و تفسیر از مفاهیم (ملیت، مجلس، مردم، برابری، مساوات و حقوق) داشتند.</p> <p>برخی نخبگان ایرانی تحت‌تأثیر شدید قدرت‌های بیگانه بودند (حقوق‌بگیر و تحت‌الحمایه بیگانه بودند).</p> <p>تقریباً تمامی نخبگان فکری به‌نوعی با حکومت مقابله داشتند و عده زیادی حکومت را نامشروع می‌دانستند.</p> <p>مذهبی‌بودن و ملی‌بودن در کنارهم ناممکن بود.</p>

۳. درس‌های این کتاب برای ما

آنچه مسلم است فرآیند توسعه تحت مسیر تاریخی هر جامعه، رقم می‌خورد. واقعیت تاریخی، ویژگی‌های جغرافیایی، مختصات قومی و نژادی و خلیات در جریان تغییر دخالتهی تام خواهند داشت. نگاهی به پیشینه تاریخی دو کشور ایران و ژاپن بیانگر این واقعیت است که موقعیت جغرافیایی در ترکیب‌بندی پیوندهای اجتماعی و به تعبیر دیگر

انسجام اجتماعی نقش مهمی داشته است. جامعه‌ای که هیچگاه پای بیگانه و یا استعمارگر بر مقدرات و سرزمین آن گذاشته نشده است با جامعه‌ای که نخبگان آن به شدت تحت تأثیر محیط بین‌المللی و عوامل بیگانه باشد، نمی‌تواند یک روند همگون و همانند را در توسعه تجربه کند.

در جامعه‌ای مانند ژاپن که پادشاه جایگاه مآورایی دارد و نخبگان آن جایگاه حاکم را به‌عنوان یک محور مشترک و خط اتفاق و حفظ منافع ملی می‌دانند با جامعه‌ای که پادشاه آن دچار بحران مشروعیت است و تقریباً بسیاری از نخبگان فکری و حتی ابزاری با آن معارض هستند، به‌طور مسلم راه‌های متفاوتی را طی کرده‌اند و این رویکرد مقایسه‌ای نشان می‌دهد که کارکرد نخبگان در ژاپن با نخبگان در ایران متفاوت است چراکه عوامل مؤثر بر این کارکرد با هم متفاوت بوده است، لذا الگوی ژاپن برای توسعه نمی‌تواند با جامعه ایران قابل انطباق باشد.

۴. پیشنهادهایی برای خوانندگان

خوانندگان علاقه‌مند به حوزه مطالعاتی این کتاب و به‌طور کلی فرآیند شکل‌گیری توسعه در ژاپن و مقایسه آن با مسیر طی شده در ایران و همچنین نقش و جایگاه نخبگان در این مسیر به منابع زیر مراجعه کنند:

بهنام، جمشید (۱۳۹۱). ایرانیان و اندیشه تجدد، ناشر فرزانه روز.

ماکوتو، هاچی اوچی و گل محمدی، علی (۱۳۹۱). توسعه‌یافتگی ژاپن، زمینه تاریخی - اجتماعی تکوین مفهوم وظیفه در دوره ادو، مجله پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، شماره ۲، ص ۱۷۳ - ۱۴۱.

اسلامی، سعید و پناهی، علی رضا و امیری، اقبال (۱۳۹۵). پنجه‌ی ببرهای کوچک آسیا مدلی برای توسعه، مجله سیاست (دانشگاه تربیت مدرس)، شماره ۱۰، ص ۳۹ - ۲۱. شهرام نیا، سید امیر مسعود و اسکندری، مجید (۱۳۸۹). ناکارآمدی نخبگان سیاسی در کارآمد سازی روند توسعه ایران عصر پهلوی، مجله گنجینه اسناد، شماره ۱۷، ص ۱۰۵ - ۷۴.

شهرام نیا، امیر مسعود و اسکندری، مجید (۱۳۸۹). علل ناکامی نخبگان عصر قاجار در روند توسعه یافتگی ایران، مجله راهبرد توسعه، شماره ۲۱، ص ۳۳۱-۳۱۲.

نوریان، عبدالحسن (۱۳۹۳). نقش نخبگان سیاسی در رشد و توسعه جوامع معاصر آسیایی، مجله جستارهای سیاسی معاصر، شماره ۲، سال پنجم، ۱۵۸-۱۳۳.

نراقی، حسن (۱۳۹۴). جامعه‌شناسی خودمانی: چرا درمانده ایم؟، نشر اختران.

رجب زاده، احمد (۱۳۷۸). جامعه‌شناسی توسعه: بررسی تطبیقی - تاریخی ایران و ژاپن، نشر سلمان.